

مسئولیت مدنی سوء استفاده از آثار هنری در پرتو مالکیت معنوی

فریده عسکری^۱

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد آباده، دانشگاه آزاد اسلامی، آباده، ایران

چکیده

با توجه به امکان کسب درآمدهای هنگفت از آثار هنری و رشد و توسعه شبکه‌های ارتباطی و امکان نشر و توزیع این آثار، بدون کسب اجازه از صاحب اثر، مالکیت معنوی آثار هنری، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. بر اساس مقررات قانون مدنی، مالک حق هرگونه تصرف و انتفاع نسبت به مایملک خود را دارد و بیرون آوردن مال از تصرف مالک، منوط به حکم قانون است؛ خالق اثر هنری، مالک معنوی آن است و تمام امتیازات مادی و معنوی آن، متعلق به وی می‌باشد. هرگاه، شخص یا اشخاصی با نادیده گرفتن حق مالکیت معنوی صاحب اثر، از اثر وی بهره‌مند گردند و یا موجب وارد شدن زیان به صاحب اثر گردند، مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود. پژوهش حاضر، ارکان تشکیل دهنده مسئولیت مذکور و ضمانت اجرای جبران خسارت وارده را مورد بررسی قرار داد. نتیجتاً مشخص گردید که وفق مقررات قوانین مدنی، مسئولیت مدنی، آیین دادرسی مدنی و حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، خسارت وارده به خالق اثر از طریق محاکم قضایی، قابل جبران خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: حقوق معنوی، سرقت آثار هنری، مالکیت معنوی، مسئولیت مدنی

۱- مقدمه

ناگفته پیداست که رشد جوامع و ملت‌ها در تمام جوانب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در گرو رشد علمی، ادبی و فرهنگی افراد جامعه است. این رشد جز با حمایت از علما، ادبا و هنرمندان میسر نمی‌گردد و آثار تالیفی فرهیختگان جامعه، همواره باید از حمایت قانون و دولت برخوردار باشد. در جامعه‌ای که از مولف و اثرش حمایت قانونی نشود، به تدریج مولف از تالیف اثر دلسرده شده و چرخ علم، ادب و فرهنگ جامعه از حرکت باز می‌ایستد. از چنین جامعه‌ای چگونه می‌توان انتظار رشد و توسعه داشت؟

از طرفی، به تدریج و با گذر زمان و رشد فزاینده دانش و ارتباطات، آثار تالیفی علی‌الخصوص آثار هنری نظیر فیلم، موسیقی، عکاسی، نقاشی، تبلیغات هنری و هنرهای دستی، بیش از پیش مورد توجه همگان واقع شده است و ارقام هنگفتی از خلق آثار بدیع و ارزشمند هنری برای خالق اثر، حاصل می‌گردد و تبلیغات گسترده‌ای را به خود معطوف ساخته است. از سوی دیگر، گسترش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، امکان نشر فیزیکی و الکترونیکی بسیاری از آثار فکری و هنری را بدون مجوز صاحب اثر، فراهم ساخته است. همین تغییرات موجب شد تا مفاهیم جدیدی ایجاد گردد.

در گذشته، اموال را فقط شامل اشیائی می‌دانستند که از لحاظ فیزیکی، قابل مشاهده و لمس بودند. اما در عصر حاضر، اموال صرفاً شامل اموال فیزیکی یا مادی نیستند؛ چرا که انسان‌ها، تلاش‌های فکری گسترده‌ای انجام می‌دهند و در پی این تلاش‌ها، آثار و تولیدات مهمی از قبیل اختراع، تولید علم، شعر، فیلم، موسیقی، آثار هنری و نظایر آن‌ها، ایجاد می‌گردد که از این منظر، می‌توان آن‌ها را نیز، مال محسوب کرد. مالکیت معنوی نیز در خصوص همین اموال بحث می‌کند. مالکیت معنوی، یعنی هر فرد نسبت به آورده‌ها و نتایج حاصل از تلاش‌های فکری خویش که از خلال آن، آثاری همچون کتاب، فیلم و موسیقی، ایجاد می‌شود، حق مالکیت دارد. این جاست که اهمیت مالکیت معنوی و رعایت حق مولف، خود را نمایان می‌سازد.

در نظم نوین حقوقی، حقی شناخته شده است که از تراوش‌های ذهنی افراد حاصل می‌گردد و قابل تبدیل به پول است؛ مانند حق تالیف، و اختراع (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۳)، که از تراوشات ذهنی مولف حاصل می‌گردد و گاه برای صاحب فکر، نتایج مالی به ارمغان می‌آورد. در واقع، موضوع حقوق مالکیت معنوی، تراوشات فکر و ذهن انسان است (انتظاری، ۱۳۸۲: ۳۸). هر فکر، ایده و موضوعی که ناشی از خلاقیت و ذهن فرد باشد و منجر به تولید محصولی صنعتی، تجاری، هنری و فرهنگی گردد، در چارچوب حقوق مالکیت معنوی قرار می‌گیرد (گیاهپور، ۱۳۹۵: ۳۸). بر اساس اصل ۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند»، و وفق ماده ۳۰ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد»، به موجب حقوق مالکیت معنوی، صاحب اثر هنری نیز، حق هرگونه دخل و تصرف در اثر خویش و بهره‌مندی از منافع احتمالی آن را دارد. چراکه وقتی فردی اثری هنری خلق می‌کند، رابطه‌ای طبیعی بین او و اثرش به وجود می‌آید که قابل مقایسه با رابطه انسان با حاصل کارهای مادی اوست (قدیری جاوید، ۱۳۸۶: ۳۴). از طرفی طبق ماده ۳۱ قانون مدنی، «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون». در واقع، خارج ساختن منافع آثار هنری، از دست صاحبان آن‌ها، زیر پا گذاشتن حق مالکیت معنوی است که صاحبان آثار نسبت به آثار خلق شده توسط خویش، دارند.

از جمع مطالب فوق‌الذکر این سوال به ذهن متبادر می‌گردد که اگر فردی، از منافع مادی و معنوی اثر هنری شخص دیگری، بدون کسب اجازه از وی، استفاده کند، حقوق مالکیت معنوی چه نقشی ایفا می‌کند؟ یا به بیان بهتر، صاحب اثر که به خاطر عمل دیگری، متضرر گردیده است، چگونه می‌تواند برای دستیابی به جبران خسارت وارده اقدام نماید؟ و آیا خسارت وارده قابل جبران خواهد بود؟ سوال مذکور، موضوع مورد مطالعه پژوهش حاضر است. این پژوهش به بررسی مسئولیت بهره‌برداری از آثار هنری بدون در نظر گرفتن منافع صاحب اثر، در پرتو حقوق مالکیت معنوی با تکیه بر قانون مسئولیت مدنی، در سایه‌سار قوانین و

مقررات موضوعه ایران، می‌پردازد. حقوق مالکیت معنوی مولفان و هنرمندان معرفی می‌شود و تحت قوانین موضوعه ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و مدت حمایت قوانین از آثار هنری مشخص می‌گردد. سپس، ارکان متشکله مسئولیت مدنی برای فردی که از اثر هنری متعلق به دیگری، بدون در نظر گرفتن حقوق مالکیت معنوی، سوء استفاده کرده است بیان می‌گردد و ضمانت اجرایی جبران خسارت وارده به خالق اثر هنری مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲- روش پژوهش

مقاله حاضر از نظر نوع کیفی است و از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده است. در پژوهش حاضر از شیوه بررسی پیشینه پژوهشی (سنتز پژوهشی) استفاده شده است. فرضیه‌هایی مطرح شده و به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است. جمع‌آوری داده‌ها از کتب و مقالات مرتبط با موضوع، با جستجو عباراتی چون مسئولیت مدنی، مالکیت فکری، حقوق مالکیت معنوی، مالکیت، مالکیت آثار هنری و حقوق هنرمندان، مورد کاوش قرار گرفت. مقالات مرتبط با موضوع از طریق سامانه‌هایی نظیر سیویلیکا، نورمگز، گوگل اسکالر و پرتال جامع علوم انسانی انتخاب و بارگیری شدند. سپس از ترکیب یافته‌های منتخب و تحلیل و بررسی بدیع آن‌ها، با در نظر گرفتن هدف مقاله، یعنی مشخص نمودن مسئولیت مدنی فردی که از آثار هنری دیگران سوء استفاده می‌کند، نتیجه‌گیری مناسب انجام شد. در این مقاله سعی گردید تا روش پژوهش با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهشی، منابع مورد استفاده، روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل یافته‌ها به طور دقیق و جامع ارائه گردد تا خوانندگان به دقت و قطعیت نتایج و استنتاجات، اطمینان حاصل کنند.

۳- حقوق مالکیت معنوی هنرمندان

مبنای وجود مالکیت معنوی، حقی است که شخص مبتکر یک ایده هنری، علمی، صنعتی، ادبی، و تجاری نسبت به ماحصل ابتکار خویش، کسب می‌کند و حق هرگونه دخل و تصرف در آن را دارد (مرادی، ۱۳۷۷: ۹۵). در خصوص حقوق مالکیت معنوی که از آن به حقوق مالکیت فکری هم یاد می‌گردد، مقررات و قوانین ملی و بین‌المللی متعددی وضع گردیده است. تاسیس سازمان جهانی مالکیت فکری که بر اساس کنوانسیون تاسیس سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۱۹۶۷ میلادی در استکهلم، آغاز به کار کرد، مهم‌ترین ارگان بین‌المللی حمایت از حقوق مولفین است. کنوانسیون پاریس مصوب ۱۸۸۳ میلادی، موافقت‌نامه مادرید مصوب ۱۸۹۱ میلادی، موافقت‌نامه لیسبون مصوب ۱۹۵۸ میلادی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری مصوب ۱۸۸۶، موافقت‌نامه تریپس مصوب ۱۹۹۴ و معاهده همکاری ثبت اختراع که در سال ۱۹۷۰ میلادی در واشنگتن به تصویب رسید، از دیگر مقررات و معاهدات بین‌المللی هستند که بر رعایت حقوق مولفان آثار هنری، ادبی، تجاری، علمی و صنعتی تاکید دارند. در ایران نیز، قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آئین‌نامه اصلاحی آن مصوب ۱۳۳۸، قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و آئین‌نامه آن مصوب ۱۳۵۰، قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، از مقررات مهم تصویب شده در این خصوص هستند. همچنین به این مهم، در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب ۱۴۰۱ و قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ اشاره گردیده است.

۳-۱- حق مولف (هنرمند) در قوانین موضوعه ایران

وفق ماده ۲ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، نمایشنامه، ترانه، سرود، تصنیف، آثار سمعی و بصری و موسیقی، نقاشی و طرح و نقشه جغرافیایی ابتکاری، نوشته‌ها و خط‌های تزئینی، آثار تزئینی و تجسمی و هرگونه پیکره (مجسمه)، عکاسی ابتکاری و هرگونه آثار هنری ابتکاری نظیر هنرهای دستی و نقشه‌قالی و گلیم، جزو آثار هنری تحت حمایت قانون هستند. همین‌طور، طبق قوانین واپسو، حق مولف شامل ادبیات، داستان، شعر، رمان، نرم‌افزار، روزنامه، فیلم، موسیقی، نقاشی،

عکس، هنرهای دستی، تبلیغ، نقشه و طراحی صنعتی است. به‌وضوح قابل دریافت است که آثار هنری در قوانین ملی و بین‌المللی رعایت حقوق مالکیت معنوی، جایگاه ویژه‌ای دارند؛ چراکه هنر وابسته به نبوغ و خلاقیت هنرمند است و اوست که این آثار را از نبوغ و تفکر و ایده‌هایش می‌آفریند (رامین، ۱۳۹۱: ۲۱)، از این رو قرار گرفتن آثار هنری در زمره حمایت از حق مولف و تعلق حقوق مالکیت معنوی اثر به هنرمند، دور از منطقی نیست. مطابق مواد ۳ و ۴ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، حق انحصاری نشر و پخش، عرضه و اجرای اثر هنری و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از اثر در اختیار پدیدآورنده اثر است و این حق، محدود به زمان و مکان نیست.

از سویی دیگر، به رعایت حق مولف در ماده ۵ قانون جهش تولید دانش بنیان بدین صورت اشاره گردیده است و بهره‌برداری از آثار دیگری را منوط به کسب اجازه از صاحب اثر می‌داند: «کلیه دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مجازند تمام یا بخشی از دارایی‌های فکری، دستاوردهای پژوهشی و حق بهره‌برداری از آن‌ها را حسب مورد پس از اخذ رضایت کتبی مؤلف، پدیدآورنده، مخترع و دارنده حق جهت بهره‌برداری علمی و پژوهشی ...». همین‌طور در تبصره ۳ ماده ۵ قانون مطبوعات در این باره آمده است: «مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدیدآورنده (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد». همچنین در بند ۱۱ ماده ۶ قانون مزبور، ارائه مطالب تحریف شده از دیگران در نشریات، ممنوع شده است؛ چرا که مشخصاً حق دخل و تصرف در آثار تنها متعلق به مالک اثر می‌باشد. به‌علاوه، به موجب ماده ۱۹ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان: «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است».

همچنین در ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی: «حق تکثیر، اجراء و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴، به‌صورت «داده‌پیام» منحصر در اختیار مؤلف است ...»، رعایت حقوق مولف محترم شمرده شده است و قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده مزبور، حقوق مالکیت ادبی و هنری را در شمول موارد مورد حمایت ماده ۶۲ عنوان کرده است. قانون‌گذار به رعایت حقوق مولف (منظور از مولف، صرفاً نویسنده کتاب نمی‌باشد)، توجه جدی داشته است و حقوق مالکیت معنوی هنرمند، تحت حمایت قانون است؛ لکن، به موجب ماده ۲۲ قانون اخیرالذکر: «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد».

در حقیقت، قانون‌گذار، خالق آثار هنری که برای اولین مرتبه، اثر خویش را صرفاً در ایران پخش، نشر یا اجرا کرده باشند، تحت حمایت قانون قرار داده است. به بیان بهتر، قوانین از آثاری که به علم، فرهنگ و هنر جامعه متعلق باشد و پدیدآورنده آن، امتیاز احتمالی اثر (امروزه آثار علمی و هنری، موجب ارتقای وضعیت کشور در نظام رتبه‌بندی علمی و هنری جهانی خواهد شد) را برای ایران به ارمغان آورده باشد، حمایت خواهد کرد.

۲-۳. مدت زمان بهره‌برداری از حق مالکیت معنوی آثار

حمایت قانون از حق مالکیت معنوی حمایت از عین نیست. برای مثال، نویسنده‌ای کتابی تالیف و به چاپ رسانده است، این قانون از کتاب چاپ شده حمایت نمی‌کند، چرا که این کتاب ممکن است در تیراژهای متفاوت به چاپ برسد و خریداران نسخ کتاب، مالک عین کتاب محسوب می‌شوند؛ لکن، قانون از ایده مولف حمایت کرده است و نشر و توزیع کتاب و یا تغییر مطالب را منوط به اجازه صاحب اثر دانسته است. حقوق مالکیت معنوی به دو گونه مالکیت صنعتی و حقوق مولف، مصنف و هنرمند تقسیم می‌شود. از آن جهت که مقاله حاضر به بررسی حقوق مالکیت معنوی آثار هنری می‌پردازد، از ارائه مطالب اضافی در خصوص گونه اول خودداری می‌شود.

وفق ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، حمایت از آثار منظور، سی سال پس از مرگ پدیدآورنده مقرر گردیده بود. لکن، در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۸۹ طرح اصلاح ماده ۱۲ این قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی

رسید و بعد از تأیید شورای نگهبان، به دولت ابلاغ شد. طبق این اصلاحیه، مدت حمایت آثار از سی سال به پنجاه سال پس از مرگ پدیدآورنده افزایش یافت. براساس این اصلاحیه: «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد». حال این سوال به ذهن متبادر می‌گردد که اگر اثری با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد، مدت حمایت آثار چگونه خواهد بود؟ طبق تبصره اصلاحی ۳۱ مرداد ۱۳۸۹ ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، مدت حمایت از چنین اثر مشترکی، پنجاه سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود.

۴- مسئولیت مدنی سوء استفاده از حق معنوی هنرمندان

مسئولیت در لغت به ضمانت، ضمان تعهد و مواخذه معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۹۰۷)، و در اصطلاح برای مسئولیت مدنی^۱ تعاریف متعددی توسط حقوقدانان مطرح گردیده است. مرحوم کاتوزیان مسئولیت مدنی را اجبار یک فرد به جبران خسارت وارده بر دیگری بر مبنای رابطه دینی ویژه‌ای که در آن متضرر طلبکار است و مسئول بدهکار و موضوع بدهی، جبران زیان وارده بر زیان‌دیده است، تعریف نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۶). در جایی دیگر، مسئولیت مدنی، تکلیف شخص به جبران خسارتی است که به خاطر عمل نامشروع (جز غصب) به دیگری وارد شده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۹). همچنین مسئولیت مدنی را، مسئولیت فرد در قبال خسارت وارده به دیگری در اثر عمل وی ناشی از سهل‌انگاری، قصور یا تقصیر تعریف کرده‌اند (فراسیون، ۱۳۴۳: ۸۸). لکن، آن‌چه که در میان تمام تعاریف ارائه شده برای مسئولیت مدنی مشترک است، الزام و تعهد فرد به دیگری، در اثر خسارتی است که به وی وارد گردیده است. هرچند به نظر می‌رسد که مسئولیت مدنی ناشی از اتلاف و تسبیب که منجر به ایراد خسارت به دیگری می‌شود است؛ لکن، این مسئولیت شامل خسارات معنوی یا خسارت به حقوق غیر هم می‌شود (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۵).

بر اساس تعارف فوق‌الذکر و دایره گستردگی مسئولیت مدنی، خسارتی که فرد به دیگری در اثر نادیده گرفتن مالکیت معنوی و حق معنوی او، به وی وارد می‌کند که منجر به ایراد خسارت مادی و معنوی به زیان‌دیده (هنرمند) می‌گردد نیز، در چارچوب مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد و وفق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد»، واردکننده زیان، مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. به علاوه، مطابق با ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده مسئول جبران آن است ...». بدیهی است فردی که از آثار هنری و ابداعی دیگری به نفع خویش بهره برده است، مرتکب انتشار مخالف حقیقتی شده که به حیثیت و اعتبار هنرمند خدشه وارد کرده است؛ خلاف واقع از آن جهت که اثر هنری متعلق به وی نمی‌باشد و ایراد خدشه به حیثیت و اعتبار از آن جهت که، از اثر هنری که می‌توانسته به اعتبار هنرمند بیافزاید، سوء استفاده کرده است.

۴-۱- هدف از مسئولیت مدنی

اگر به دقت به مفاهیم و تعاریف ارائه شده درباره مسئولیت مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نگاه شود، به راحتی قابل دریافت است که هدف اصلی از مسئولیت مدنی، جبران خسارت وارده به زیان‌دیده می‌باشد. درست است که اصلی‌ترین هدف مسئولیت مدنی، جبران خسارت وارده به زیان‌دیده می‌باشد، اما، تنها هدف مسئولیت مدنی نیست. به عبارت دیگر، رفع تجاوز صورت گرفته به حقوق خواهان و جلوگیری از ورود زیان به زیان‌دیده در آینده نیز، از دیگر اهداف مسئولیت مدنی محسوب می‌شوند (بادینی، ۱۳۸۳: ۵۵). در واقع، تنها هدف مسئولیت مدنی در موضوع مورد مطالعه مقاله حاضر، جبران خسارت وارده به

^۱Civil Liability

هنرمند نیست؛ به حق معنوی و مالکیت هنرمند در خصوص ایده‌ها و تراوشات ذهنی‌اش، دستبرد زده شده و رفع این اقدام متجاوزانه از سوی وارد کننده زیان، در کنار جلوگیری از اقدامات مشابه برای دستبرد به تفکرات و خلاقیت‌های هنرمندان، از دیگر اهداف مسئولیت مدنی در این باره می‌باشند. چنین اقداماتی از سوی قانون و حمایت‌های گسترده از حقوق معنوی جامعه هنری، عاملی پیشگیرانه در خصوص ارتکاب چنین اعمالی از سوی افراد سودجو و منفعت‌طلب است.

۴-۲-۲-۱-۲-۴ ارکان متشکله مسئولیت مدنی

برای تحقق مسئولیت مدنی، اصولاً سه رکن اساسی مشخص گردیده است و در صورتی که هر یک از این ارکان شکل نگیرد، مسئولیت مدنی تحقق نمی‌یابد؛ تحقق هر یک از ارکان مذکور برای ایجاد مسئولیت مدنی لازم است، اما کافی نیست و هر سه رکن باید با هم جمع شوند تا مسئولیت مدنی ایجاد گردد. به طور کلی، ارکان متشکله مسئولیت مدنی، ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت میان ضرر و فعل زیان‌بار، می‌باشند (باریکلو، ۱۳۸۵: ۶۰). مسئولیت رکن متغیری هم دارد که تقصیر فاعل زیان است. در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا، مسئولیت بر پایه تقصیر فاعل زیان استوار است. ولی، قانون‌گذار برای حفظ مصالح جامعه در جهت جبران ضرر نامشروع یا خطری که برای دیگران ایجاد شده است، مسئولیت بدون تقصیر هم در نظر گرفته است؛ اما، چون اصل با مسئولیت مبتنی بر تقصیر واردکننده زیان است، زمانی که در نوع مسئولیت تردید شود می‌توان برای تحقق مسئولیت، وجود و اثبات تقصیر فاعل زیان را ضروری دانست. تقصیر فاعل زیان، در میان اصول مسئولیت مدنی از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا هم مبنای مسئولیت است و هم در اثبات رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان‌بار، نقش اساسی دارد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۲).

۴-۲-۱-۲-۴-۱-۲-۴ ضرر

از میان ارکان مذکور، می‌توان ادعا نمود که ایراد ضرر به زیان‌دیده، رکن اصلی می‌باشد؛ چرا که تا زمانی که وجود نیاید، مسئولیتی وجود نخواهد داشت؛ البته ضرر باید مسلم و قطعی باشد. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، ضرر را به دو گونه مادی و معنوی تقسیم کرده است. در موضوع مورد مطالعه پژوهش حاضر، مقصود از ضرر مادی، بهره‌برداری مالی از منافع ایجاد شده به خاطر پخش، نشر، توزیع، اجرا و یا فروش اثر هنری، بدون رضایت صاحب اثر است. ضرر معنوی هم، ایراد لطمه به شهرت، روحیه، عواطف و خدشه به تفکرات، ایده‌ها و استعدادها هنرمندان می‌باشد. در واقع، قدم اول و رکن اصلی برای ایجاد مسئولیت مدنی ناشی از بهره‌برداری از آثار هنری بدون کسب اجازه از صاحب اثر، ایراد ضرر به هنرمند است. هر گاه شخصی از اثر هنری یک هنرمند سوء استفاده کند، حتی اگر برای اثر هنری منظور، نفع مالی هم قابل تصور نباشد و ضرر مالی به هنرمند تحمیل نگردد، ضرر معنوی وارده به هنرمند تحقق یافته است؛ چرا که سوء استفاده از آثار هنری، به حیثیت، شهرت و سلامت عاطفی هنرمند لطمه وارد می‌سازد. لذا، سوء استفاده از آثار هنری فارغ از منافع مالی، به تنهایی و به خاطر خسارت معنوی که به هنرمند وارد می‌کند، رکن اول مسئولیت مدنی، یعنی ایراد خسارت را محقق می‌سازد.

۴-۲-۲-۴-۲-۲-۴-۲-۴ فعل زیان‌بار

رکن دیگر ایجاد مسئولیت مدنی، ارتکاب فعل زیان‌بار از سوی فاعل زیان است. این فعل باید در نظر اجتماع ناهنجار باشد و در قانون برای آن مجوزی قرار داده نشده باشد. عمل زیان‌بار ممکن است فعل یا ترک فعل باشد (دالوند، ۱۳۸۶: ۲۱). با دقت در بخشی از ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی...»، رکن دوم ایجاد مسئولیت مدنی به وضوح قابل دریافت است. در این ماده به عبارت بدون مجوز قانونی اشاره شده است به این معنا که اگر فعل زیان‌بار با مجوز قانونی صورت پذیرد، شخص مسئول خسارت ناشی از آن نیست. در اینجا منظور از قانون معنای وسیع کلمه است و شامل تمامی قوانین موضوعه، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های اداری، دستور شفاهی پلیس و قواعد و مقررات عرفی می‌باشد (دالوند، ۱۳۸۶: ۲۲). علاوه بر مجوز قانون، وفق ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد»، دفاع مشروع هم موجب رفع مسئولیت مدنی می‌گردد؛ لکن، در مورد سوء استفاده از آثار هنری و ایراد خسارت به هنرمند، دفاع مشروع را

نمی‌توان متصور شد، لذا از توضیح اضافات خودداری می‌گردد. در خصوص تحقق رکن دوم مسئولیت مدنی در موضوع مورد بحث، بدیهی است که عمل واردکننده زیان یعنی کسی که از طریق نشر، پخش، توزیع و اجرای اثر هنری بدون کسب رضایت هنرمند یا مجوز قانونی، و یا ثبت و نشر اثر هنری به نام دیگری، موجب ورود خسارت به هنرمند می‌شود، فعل زیان‌بار تلقی می‌گردد.

۴-۲-۳- رابطه سببیت

تحقق دو رکن اخیرالذکر یعنی ایراد ضرر و فعل زیان‌بار، به تنهایی برای ایجاد مسئولیت مدنی کافی نیست. در حقیقت، بین دو رکن مذکور باید رابطه سببیت وجود داشته باشد تا مسئولیت مدنی ایجاد گردد؛ یعنی ضرر به خاطر ارتکاب فعل زیان‌بار به متضرر تحمیل گردیده است. منطقی و معقول است که هیچ کس نباید مسئول زبانی که از فعل او ناشی نشده است، باشد. البته اینکه بتوان به راحتی وجود رابطه سببیت را تشخیص داد، کار آسانی نیست؛ زیرا، عوامل مختلفی ممکن است در ورود خسارت نقش داشته باشند. به عبارت دیگر، سبب‌های متعددی منجر به ورود خسارت شده باشند. فارغ از بحث تعدد اسباب ایراد خسارت، درباره رابطه سببیت میان ضرر و فعل زیان‌بار ناشی از سوء استفاده از آثار هنری، می‌توان ادعا نمود که رابطه سببیت میان ضرر و فعل زیان‌بار محرز است. چرا که هرگاه شخصی از اثر هنری یک هنرمند بدون مجوز قانونی یا کسب اجازه از وی، بهره‌وری کند، سوای از ضرر مادی وارده، شهرت، حیثیت و عواطف هنرمند خدشه‌دار می‌گردد؛ این لطمه مستقیماً از فعل زیان‌بار فرد سوء استفاده کننده از اثر هنری به هنرمند وارد می‌گردد. به همین دلیل است که قانون‌گذار در فصل چهارم قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، صرفاً سوء استفاده از آثار هنری (نشر، توزیع، پخش، اجرا و یا فروش آثار هنری بدون کسب اجازه از پدیدآورنده و یا نشر و توزیع آن به نام شخصی بجز پدیدآورنده) را در زمره تخلفات قرارداده و برای این عمل، بدون ذکر رابطه سببیت یا اشاره به آن، مجازات مشخص نموده است.

۵- ضمانت اجرای جبران زیان وارده

گفته شد که در صورت تحقق سه رکن اصلی مذکور، مسئولیت مدنی ایجاد می‌گردد. ضمناً بیان گردید که مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی، جبران خسارت وارده به زیان‌دیده می‌باشد؛ هرچند که در گذشته جبران خسارت مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی نبوده است، چرا که در گذشته به دلیل اختلاط مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری، تمرکز جبران خسارت بر مجازات کیفری بوده است (Tunc, 1971: 58). لذا، مسئله مهم اینست که خسارت وارده چگونه قابل پیگیری و جبران خواهد بود؟ وفق ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی، جبران خسارت وارده بدین گونه مقرر گردیده است: «در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم مینماید و چنانچه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود». همچنین مطابق با ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن، با توجه به اوضاع و احوال قضیه توسط دادگاه تعیین خواهد شد. همچنین، در بند (ب) ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات مقرر گردیده است که مالک حق معنوی می‌تواند علیه شخصی که به حق او تعدی کرده و بدون رضایت وی از اثرش استفاده کرده است، به دادگاه شکایت کند.

در خصوص حقوق مالکیت معنوی و مسئولیت مدنی ایجاد شده برای فردی که به حق معنوی دیگری، تعدی می‌نماید و با نشر، توزیع، اجرا و یا فروش اثر هنری یک هنرمند بدون کسب اجازه از وی و یا نشر آن با نام دیگری، موجب ایراد خسارت به وی گردیده است، نیز وفق مقررات مواد ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی، رفتار می‌شود. علاوه بر این، بر اساس ماده ۲۹ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، دادگاه می‌تواند در حین رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی، برای جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم را به ضابطین دادگستری بدهد.

درباره مطالب فوق‌الذکر این سوال به ذهن خطور می‌کند که مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به دعوی الزام خواننده به جبران خسارت مالکیت معنوی خواهان، کجاست؟ در قوانین عمومی، برای مستند قانونی ناظر به چنین دادخواستی، تنها می‌توان به ماده ۴ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۹ اشاره کرد. در بند (ب) ماده مذکور،

برای دعاوی مالکیت‌های معنوی و صنعتی مقرر گردیده است که به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه، شعب دادگاه‌های عمومی حقوقی و عمومی جزائی و دادسرا در هر حوزه قضائی به تناسب امکانات و ضرورت، جهت انجام تحقیقات و رسیدگی به جرائم و دعاوی خاص تخصیص یابند. از این رو، به استناد ماده قانونی مزبور، مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی مالکیت‌های معنوی و صنعتی، شعب دادگاه‌های عمومی حقوقی و عمومی جزائی و دادسراهایی هستند که به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تایید رئیس قوه قضائیه، تشکیل می‌شوند.

۶- مجازات کیفری سوء استفاده از آثار هنری

در کنار مسئولیت مدنی ناشی از سوء استفاده از آثار هنری که برای واردکننده زیان ایجاد می‌گردد، قانون‌گذار برای حمایت بیشتر از هنرمندان و مولفان، برای افراد خاطی مجازات کیفری در نظر گرفته است. تعیین مجازات برای این قبیل اعمال نتایج متعددی به دنبال دارد؛ اولاً، در جهت پیشگیری از بروز چنین رفتارهای زیان‌باری بسیار موثر است چون برای فرد خاطی علاوه بر جبران خسارت مادی و معنوی، مجازات کیفری در پی دارد و این رفتار قانون‌گذار در جهت کاهش بروز چنین اعمالی بسیار مفید است. ثانیاً، قانون‌گذار با وضع چنین مقرراتی حمایت خود از جامعه هنری و آثار هنرمندان را بیش از پیش نشان می‌دهد. از سوی دیگر، تأثیرات مثبت آثار هنری بر تعالی فرهنگ جامعه قابل انکار نیست؛ لذا، شایسته است قانون‌گذار با وضع قوانین حمایتی و پیشگیرانه، برای رشد این عرصه گام بردارد. مشخصاً، پیشگیری از ورود زیان مهم‌تر از جبران خسارت است؛ از این رو، همواره اقدامات پیشگیرانه از اهمیت بسزایی برخوردارند.

وفق ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان: «هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً بنام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد». همچنین، شاکی خصوصی برای بازیابی لطمات عاطفی وارده و حفظ شهرت و حیثیت خویش، طبق ماده ۲۷ قانون مزبور میتواند از دادگاه صادرکننده حکم نهائی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود. شایان ذکر است، بر اساس ماده ۳۱ قانون مزبور، تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف می‌شود.

۷- نتیجه گیری

در گذشته چندان اهمیتی به حقوق مولف داده نمی‌شد؛ لکن با رشد و توسعه تکنولوژی و سهولت در نشر و توزیع فیزیکی و الکترونیکی آثار تالیفی، و از آن جهت که حقوقدانان همواره بر اساس نیاز آدمی، تفکر می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، حق مالکیت معنوی مطرح و بدان اهمیت داده شد. حق مالکیت معنوی برخاسته از استعدادها و تفکرات و تراوشات ذهنی بشر است. قوانین و مقررات بین‌المللی و ملی زیادی در خصوص حمایت از حقوق مولف تدوین شده است و ایران هم از این قضیه مستثنا نیست؛ به برخی کنوانسیون‌های حامی حقوق مالکیت معنوی و فکری ملحق شده است. همچنین، در قوانین موضوعه ایران در حمایت از حقوق معنوی و فکری مولفان، قوانینی یافت می‌گردد؛ می‌توان ادعا نمود که مهم‌ترین قانون وضع شده در این خصوص، قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان است.

در این میان و با توجه به توسعه شبکه‌های اجتماعی، سینما، گالری‌ها، نمایشگاه‌ها و موسیقی، هنر جایگاه ویژه‌ای یافته است. گاه مشاهده می‌گردد که برخی از آثار هنرمندان توسط افراد سودجو مورد تعدی قرار می‌گیرد و بدون کسب اجازه از ایشان، منتشر شده و یا به فروش می‌رسند و گاه به نام افراد دیگری، توزیع می‌گردند. این اقدام پایمال کردن حقی است که به موجب قانون در اختیار هنرمند قرار گرفته و بهره‌برداری مادی و معنوی از اثر، متعلق به اوست. در اثر چنین اقدامی، هنرمند متحمل ضرر می‌گردد؛ دو گونه ضرر را می‌توان برای وی متصور بود: ضرر مادی و ضرر معنوی. قانون‌گذار با وضع قوانینی که قبلاً به آن‌ها اشاره شده، در حمایت از هنرمند به پا خاسته و زیان‌های وارده را قابل جبران می‌داند.

علی‌الاصول برای فردی که به اثر هنری یک هنرمند دستبرد زده و به نام، شهرت و حیثیت وی لطمه وارد نموده و دست‌یابی وی به منافع مالی احتمالی اثر هنری را مختل ساخته است، مسئولیت مدنی و کیفری قابل تصور است. برای تحقق مسئولیت

مدنی سه رکن اساسی وجود دارد که در صورت تحقق هر سه رکن، مسئولیت ایجاد می‌گردد. ایراد ضرر، ارتکاب فعل زیان‌بار و رابطه سببیت میان ضرر و فعل زیان‌بار، ارکان تشکیل دهنده مسئولیت مدنی هستند. با دقت در ارکان متشکله مسئولیت مدنی، به وضوح قابل دریافت است که به محض سوء استفاده از آثار هنری، هر سه رکن محقق می‌شوند. چرا که حتی اگر ضرر مادی هم به هنرمند وارد نگردد، ورود ضرر معنوی به وی قطعی است؛ زیرا، به محض سوء استفاده از اثر هنری، عاطفه، حیثیت و شهرت هنرمند خدشه‌دار می‌گردد.

علاوه بر این، فعل زیان‌بار هم قابل مشاهده است؛ سوء استفاده فرد از اثر هنری فعل زیان‌بار تلقی می‌گردد. بدیهی است که عمل مرتکب شده از سوی فرد خاطی، موجب ورود لطمه به حیثیت و شهرت و عواطف هنرمند شده است و رابطه سببیت میان ضرر معنوی وارد شده به وی و فعل ارتكابی از سوی خاطی، برقرار است. پس هر سه رکن محقق شده و مسئولیت مدنی ایجاد می‌گردد. وفق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که صرفاً ایراد ضرر مادی را موجب ایجاد مسئولیت نمی‌داند و در صورت ورود ضرر معنوی هم، مسئولیت متصور است، اقدام فردی که از اثر هنری غیر، سوء استفاده نموده است، واجد تمام ارکان مسئولیت مدنی می‌گردد و این مسئولیت نیازی به اثبات تحقق ارکان متشکله آن ندارد.

مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی، جبران خسارت وارده می‌باشد؛ هرچند جز این هدف، اهداف دیگری نظیر رفع تعدی صورت گرفته به حق مالکیت معنوی هنرمند، جلوگیری از خسارات قابل پیش‌بینی در آینده در صورت عدم رفع تجاوز به حق معنوی هنرمند و پیشگیری از بروز چنین حوادثی، را دنبال می‌کند. خسارت وارده وفق مقررات مواد ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و طبق ماده ۴ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، بر اساس دستورالعمل‌های مندرجه در قانون آیین دادرسی مدنی قابل پیگیری است. همچنین، بر اساس مواد ۲۳، ۲۴ و ۲۵ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، از طریق محاکم کیفری قابل پیگیری است.

منابع

- ۱- انتظاری، علیرضا (۱۳۸۲)، «مالکیت معنوی»، بصیرت دانشگاه آزاد، سال دهم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۳۱-۵۴
- ۲- بابایی، ایرج (۱۳۹۹)، «مفهوم مسئولیت مدنی»، فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۱-۲۸
- ۳- بادینی، حسن (۱۳۸۳)، «هدف مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، صص ۵۵-۱۱۳
- ۴- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۱۳، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۶- دالوند، فضل‌الله (۱۳۸۶)، تقسیم مسئولیت مدنی، چاپ اول، اصفهان: انتشارات دادیار.
- ۷- رامین، فرح (۱۳۹۱)، «هنر؛ تنها راه نجات»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۵-۲۶
- ۸- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۹- فراسیون، علی اصغر (۱۳۴۳)، «حقوق به زبان ساده: مسئولیت مدنی»، کانون سردفتران، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۸۸-۹۲
- ۱۰- قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷)، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۱۱- قدیری جاوید، منصوره (۱۳۸۶)، «آشنایی با حقوق مالکیت معنوی»، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۵، صص ۳۴-۳۷
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، چاپ سی و پنجم، تهران: نشر میزان.
- ۱۴- گیاهیپور، هادی (۱۳۹۵)، «مبانی فقهی حقوقی مالکیت معنوی»، پویش در آموزش علوم انسانی، سال دوم، شماره ۵، صص ۳۶-۵۰
- ۱۵- مرادی، حسن (۱۳۷۷)، «نکاتی در خصوص حقوق مالکیت معنوی»، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۹۵-۱۰۴
- ۱۶- Tunc, Andre (1971), International Encyclopedia Of Comparative Law, Volume 11, Traffic Accident Compensation, Law and Proposals.